



بررسی چالش‌ها و موانع بازدارنده در توسعه کارآفرینی زنان ایران

آزاده سلیمانی نژاد^{۱*}، کامبیز طالبی^۲

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران
a.soleimaninejad@ut.ac.ir

^۲ دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران
ktalebi@ut.ac.ir

چکیده

کارآفرینی به عنوان عامل کلیدی رشد و موتور محرک توسعه اقتصادی شناخته شده است. روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است و کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته، نقش اساسی را داشته‌اند. زنان در ایران نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند ولی سهم کوچکی از کل کارآفرینان جامعه را دارند. مطالعه عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی زنان به شناسایی محدودیت‌ها، اصلاح مسیر آتی و در نتیجه ارتقای فعالیت‌های کارآفرینانه زنان کمک می‌کند که این امر از یک طرف سبب ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه اقتصادی می‌شود و از طرف دیگر می‌تواند سبب بهبود وضعیت بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی زنان، خانواده‌های آنان و جامعه شود. این پژوهش به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های متعدد و با هدف بررسی چالش‌ها و موانع بازدارنده در توسعه کارآفرینی زنان ایران انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که عوامل فرهنگی-اجتماعی (خانواده، نظام تعلیم و تربیت، انتظارات نقشی، باورهای کلیشه‌ای، مناسبات حاکم بر سازمان)، موانع مالی، موانع قانونی و موانع فردی می‌تواند نقشی محدودکننده یا بازدارنده در توسعه کارآفرینی زنان داشته باشد. در این مقاله ضمن بررسی مشکلات چالش‌ها و موانع کارآفرینی زنان ایران، پیشنهادهای جهت ارتقای توسعه کارآفرینی زنان کشور ارائه شده است.

کلمات کلیدی

کارآفرینی، زنان، کارآفرینی زنان، زنان ایران، موانع، چالش‌ها



۱- مقدمه

اقتصادی آنان در جامعه مطرح است [۱۵]. بدیهی است که در مسیر توسعه فعالیتهای کارآفرینانه زنان، موانع و مشکلاتی وجود دارد که شناسایی و رفع آن منجر به ارتقای فعالیتهای کارآفرینانه آنان خواهد شد. لذا این تحقیق باهدف بررسی موانع بازدارنده در توسعه کارآفرینی زنان انجام شده است که در این راستا عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل مالی، عوامل قانونی و عوامل فردی مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- کارآفرینی

کارآفرینی فرآیند خلق چیزی جدید و با ارزش با اختصاص زمان و تلاش لازم، و در نظر گرفتن خطرهای مالی، روانی و اجتماعی و در نهایت رسیدن به رضایت فردی، مالی و استقلال است [۲۵] و سبب می‌گردد بهره برداری از منابع و فعال شدن آنها در بهره‌وری و تأمین منافع ملی میسر گردد و مؤسسات بهره‌ور و خلاق ایجاد شوند که موجب رشد و توسعه همه جانبه باشند [۲۴]. در تعریف دیگری آمده است کارآفرینی فرآیندی است که فرد کارآفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصتهای تازه و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد پیشه، شرکت و سازمان جدید، نوآور و رشدیابنده می‌کند. این فرآیند که مستلزم پذیرش خطر و مخاطره است، منجر به عرضه محصول یا خدمت تازه به جامعه می‌شود [۲۱].

۲-۲- کارآفرین

کارآفرینان کسانی هستند که همراه با خطرپذیری، فرصتها را غنیمت می‌شمرند و با تکیه بر اندیشه‌ها و تجربه‌های خویش راهکارهای تازه برای سودآوری جستجو می‌کنند [۵]. ویلیام بای گریو (۱۹۹۴) معتقد است کارآفرین کسی است که یک فرصت را درمی‌یابد و برای پیگیری آن فرصت، سازمانی را راه اندازی می‌کند. فرآیند کارآفرینی نیز تمام وظایف، فعالیتها و عملیات را در بر می‌گیرد که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پیگیری آن فرصتها ارتباط می‌یابد [۱۴]. کارآفرینی در میان زنان و مردان کشورهای مختلف متفاوت است. بر اساس یک تحقیق مقایسه‌ای در مورد فعالیتهای کارآفرینی بین زنان و مردان در ۳۷ کشور جهان، مشخص گردید که ویژگیهای خاص هر

اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه اقتصادی جامعه می‌دانند [38] و دانشمندان مدیریت، آن را از مهمترین عوامل تحول و نوآوری‌های سازمانی، در عصر حاضر به شمار می‌آورند. هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشد، اقتصادی پویا خواهد داشت [43]. با توجه به اینکه زنان در اکثریت جوامع نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند توجه به فعالیت‌های کارآفرینانه این قشر از جامعه می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک شایانی نماید [۲۲]. فعالیت اقتصادی زنان رابطه مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد. با افزایش فرصتهای شغلی برای زنان، سطح فرهنگ و آموزش جامعه ارتقا می‌یابد. زنان درآمد مستقل کسب می‌کنند و وضعیت تغذیه و بهداشت خانواده بهبود می‌یابد. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب ایجاد سود اقتصادی می‌شود بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی نیز ایجاد می‌نماید [34].

در ایران زنان، ۴۹/۲ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در صورتی که نرخ مشارکت اقتصادی این گروه فقط ۱۱/۸ درصد می‌باشد. پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی در میان زنان در حالی است که نرخ بیکاری زنان در جامعه نزدیک به دو برابر مردان است. نرخ بیکاری زنان بیش از ۲۰ درصد است. که این نرخ در زنان جوان ۲۰ تا ۲۴ ساله ۵۰/۴ درصد می‌باشد [۲]. این میزان با میانگین فعالیت اقتصادی زنان در جهان ۳۰ درصد فاصله ای بسیار دارد. در سالهای اخیر، زنان گرایش بیشتری به تحصیلات دانشگاهی پیدا کرده اند و نرخ ورود زنان و دختران به دانشگاه‌ها، سال به سال در حال افزایش است. در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، نرخ بیکاری نیز در میان بانوان تحصیلکرده به صورت قابل توجهی در حال افزایش می‌باشد. به نظر می‌رسد جذب این تعداد نیروی تحصیلکرده در سازمان‌های دولتی موجود که اکثراً با تورم نیروی انسانی مواجه هستند، عملی نباشد. بخش خصوصی نیز با توجه به گستره محدود آن در ایران نتوانسته است در جذب این سرمایه‌های ملی موفقیت قابل توجهی داشته باشد. لذا، حل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال به یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت تبدیل شده است [۱۹]. بر این اساس، توسعه کارآفرینی زنان در شرایط امروزی ایران، به عنوان یکی از بهترین راه‌حل‌های معضل بیکاری زنان و افزایش مشارکت



۳- مرور ادبیات پیشین

در عرصه جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه های صنعتی، تولیدی و خدماتی شده اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی، قهرمانان ملی و توسعه صنعتی، محرک و مشوق سرمایه گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار، در جوامع تبیین یافته است [26]. در این راستا طی دو دهه گذشته، زنان بسیاری به عنوان کارآفرین به محیط های کسب و کار روی آورده اند، به طوری که حضور زنان در مکان های کسب و کار برای اداره سازمان های کوچک و کارآفرین اثر عظیمی بر اشتغال و محیط های کسب و کار در سراسر جهان داشته است. آمارها نشانگر رشد زنان کارآفرین تا سال ۲۰۰۲ در جهان، بخصوص آمریکای شمالی بوده است با وجود این هر چند که مشکلات اولیه بر سر راه توفیق زنان در کسب و کار از میان برداشته شده است، اما هنوز چالش ها و موانع فراوانی زنان کارآفرین، بسیار است [40]. در یک مطالعه، استونر، هرتمن و آرورا [50] دریافتند که تضاد نقش ها که در اثر مسئولیت دوگانه مدیریت یک کسب و کار و رسیدگی به خانواده پیش می آید، مشکل اصلی زنان صاحب کسب و کار است. براون و سگال [30]، دستیابی و نگهداری کادر اجرایی کارآمد و کارگر ماهر، سودآور کردن کسب و کار و بوروکراسی اداری را از مشکلات زنان صاحب کسب و کار برشمرده اند. نیدر [45] به اخذ مجوزها و فشار ناشی از تضاد نقش ها به عنوان مشکلات اصلی زنان در ایالات متحده آمریکا اشاره می کند و بوردت [32] کنار آمدن با فشارهای روحی را از مشکلات زنان کارآفرین می داند. برین، کلورت و الیور [29] دریافتند که در استرالیا، نداشتن زمان کافی برای گذران با خانواده، دلیل اصلی فشارهای خانوادگی است که خود مشکل اساسی زنان کارآفرین است. برای زنان صاحب کسب و کار سنگاپوری، بحرانی ترین مشکلات راه اندازی عبارت اند از یافتن نیروی کار، تأمین منابع مالی، رقابت با دیگران، جلب اعتماد دیگران و کنار آمدن با هزینه های بالای کسب و کار [52]. در مطالعه دیگری که در مورد ۱۲۹ زن کارآفرین آمریکایی انجام شده است، نتایج نشان می دهد که ۳۴ درصد از آنان در جلب سرمایه گذاری و مدیریت مالی دچار مشکل بوده اند. همچنین در این تحقیق زنان کارآفرین ابراز داشتند که به علت زن بودن قادر به ورود به برخی از محافل اجتماعی نبوده اند، و البته این مسأله در مورد زنان سیاه پوست تشدید می شد [27] مطالعه ی دیگری که از طریق مصاحبه با زنان کارآفرین شرکت کننده در برنامه آموزشی توسعه کارآفرینی زنان (WED) در رومانی صورت گرفت، آشکار نمود که اکثر

کشور نرخ رواج کارآفرینی را در میان زنان و مردان تعیین می کند [46].

۳-۲- زنان کارآفرین

لاوی (۱۹۹۵) زنان کارآفرین را اینگونه تعریف می کند زانی که به تنهایی یا با مشارکت، کسب و کاری را ایجاد کرده و یا از طریق ارث پذیرفته اند و با قبول ریسک های مالی، اجتماعی، اخلاقی و روانی، با خلاقیت و نوآوری محصولات جدیدی را تولید کنند تا در بازار بر رقبا غلبه یابند [36].

و تعریف براش (۱۹۹۷) از کارآفرینی زنان عبارتست از "فعالیت زانی که در زمینه خوداشتغالی مشارکتی، خوداشتغالی مستقل، کارفرمایی و کسب و کارهایی با مالکیت انحصاری صورت می گیرد" [31]. به طور کلی، از اهداف زنان کارآفرین در ورود به کارآفرینی می توان به دستیابی به استقلال، مهیا ساختن شرایط بهتر زندگی، اجتناب از فقر، به دست آوردن قدرت و اعتبار در جامعه، تأمین شرایط مطلوب زندگی شخصی در زمان سالمندی، مفید بودن برای جامعه و سایر افراد، عدم رضایت از شغل فردی و شناخت و بروز استعدادها و تواناییهای شخصی اشاره نمود [53]. تامبونن (۲۰۰۹) معتقد است که سه گروه کارآفرین زن وجود دارد. تصادفی، اجباری و خلق شده. این طبقه ها براساس این که چطور کسب و کار آن ها شروع شده است یا دلایل و انگیزه اصلی آنها از راه اندازی کسب و کارشان چه بوده است، متفاوت هستند. کارآفرینان تصادفی آنهایی هستند که کسب و کارشان را بدون هیچگونه اهداف و طرحی شروع کرده اند. کار آن ها احتمالاً به شکل سرگرمی و مشغولیات ظاهر شده و یا به صورت فعالیت اقتصادی اضافی در نظر گرفته می شود. کارآفرین اجباری، آنهایی هستند که به واسطه شرایطی مثل مرگ همسر، مواجه شدن خانواده با مشکل مالی مجبور شدند کارشان را شروع کنند که انگیزه اولیه آن ها مسأله مالی است، کارآفرینان خلق شده آنهایی هستند که برانگیخته شده اند، تشویق و توسعه پیدا کرده اند و علاقه فراوان به کارآفرینی دارند [51]. در کشورهای با درآمد متوسط و پایین، زنان بیشتر از روی اجبار و نبود گزینه شغلی بهتر به کارآفرینی روی می آورند اما در کشورهای با درآمد بالا، معمولاً زنان بر اساس فرصتهای موجود فعالیتهای کارآفرینی را مورد توجه قرار می دهند [55].



ناهمخوانی انتظارات نقشی، باورهای کلیشه ای و مناسبات حاکم بر سازمان کار به عنوان مهم ترین موانع کارآفرینی زنان ایرانی قید گردیده است [39].

در بررسی صورت گرفته در بین زنان کارآفرین در تعاونی های استان مازندارن، مشکلات مالی، اختلاف میان اعضا و تبعیض علیه زنان، به عنوان مهمترین موانع کارآفرینی زنان در تعاونی ها مطرح گردیده است [42].

در تحقیق دیگری که بین زنان کارآفرین در شهرها و روستاهای مختلف کشور صورت گرفته است، عمده موانع کارآفرینی زنان به شرح ذیل بیان گردیده است [56].

موانع خانوادگی: خانواده، خانواده همسر، همسر، فرزندان
موانع مالی: فقدان یا کمبود سرمایه شخصی، مشکل دریافت وام، مشکل نقدینگی

موانع علمی: کمبود دانش و مهارت های مدیریتی، بازاریابی، حقوقی، فنی، مالی و حسابداری، اطلاعاتی

موانع فیزیکی: کمبود یا نبود مکان مناسب کسب و کار، کمبود امکانات سخت افزاری، مشکل تأمین مواد اولیه

۴- موانع موثر بر کارآفرینی زنان

۴-۱- عوامل فرهنگی - اجتماعی

بخشی از هویت انسان تحت تأثیر جنسیت او شکل می گیرد. صرف نظر از تفاوت های طبیعی که اعضای دو جنس از جنبه های جسمانی و روانی با یکدیگر دارند، جامعه نیز به نوبه خود بر دامنه این تفاوت ها می افزاید. از این رو، گفته می شود جنسیت برخلاف جنس سازه های اجتماعی است زیرا دارای معانی و دلالت های فرهنگی است [28]. اگر تفاوت های طبیعی میان دو جنس مبنای ارزش گذاری و امتیازدهی متفاوت باشد، در این صورت نابرابری جنسی به وجود می آید. در افراطی ترین شکل، چنانچه اعضای یک جنس نسبت به جنس دیگر پست تر شمرده شوند، به طوری که رفتار نابرابر با یک جنس عادلانه تلقی شود، در این صورت تبعیض رخ می دهد [10]. از طریق فرآیند جامعه پذیری که از کودکی تا بزرگسالی به طور مداوم جریان دارد، هر فرد می آموزد از آن حیث که زن یا مرد آفریده شده باید چگونه بیاندهد، رفتار کند و احساس کند [54] اگر فرهنگ جامعه با زنان به شیوه ای نابرابرانه رفتار نماید، یعنی در مقایسه با مردان آنان را با ویژگی های ضعیف یا منفی

آنها احساس می کنند که مهم ترین موانعی که در ابتدای راه باید برآنان غلبه کرد، موانع درونی از جمله ترس از شکست، کمبود جسارت، کمبود حمایت معنوی و نبود الگوی مناسب می باشند [37]. نتایج تحقیقات درباره تفاوت های جنسیتی زنان کارآفرین در روسیه نشان داد که آنها مسئولیتهایی مانند خانه داری و تربیت فرزندان را به عهده دارند. وجود مسئولیت مضاعف و تضاد نقش برای زنان روسی باعث شده است تا آنها نتوانند در شغل خود به اندازه مردان مراحل پیشرفت را طی کنند. حضور نامتناسب آنها در کارهای دستی و کارهای اغلب سطح پایین بیانگر این موضوع است [33].

در بنگلادش، تعداد زیادی از زنان به طور غیررسمی فعالیت کارآفرینانه را انجام می دهند و البته در اقتصاد کشورشان مورد توجه قرار نمی گیرند. این کارآفرینان با فقدان اطلاعات، فرصت های بازاریابی و حمایت های قانونی و اجتماعی مواجه هستند. در نپال، مشکلاتی که زنان کارآفرین با آن روبرو هستند دسترسی پایین به اعتبارات و شبکه های ارتباطی بازاریابی، فقدان دسترسی به زمین و دارایی، کاهش ظرفیت ریسک پذیری، فقدان دسترسی به تکنولوژی مدرن، فقدان امنیت شخصی و رقابت شدید واحدهای سازمان یافته در بازارهای ملی و بین المللی، سطح پایین خوداتکایی و موانع اجتماعی و فرهنگی، مسئولیت انحصاری برای کار خانه و محدودیت در تحرک می باشند [51]. محدودیت اصلی زنان در سوریه، فقدان دسترسی به سازمان های مالی جهت سرمایه گذاری در شروع کسب و کارشان و توسعه آن است. تحقیقات نشان می دهد که زنان کارآفرین سوری، به طور فراوان بر سرمایه شخصی خودشان نسبت به سرمایه خارجی تکیه دارند. به علاوه دسترسی به سرمایه خارجی بیشتر بواسطه این حقیقت که زنان اغلب نمی دانند چطور به سرمایه رسمی دست پیدا کنند، محدود شده است. زنان کارآفرین با مشکلات بیشتری همچون فقدان وثیقه جهت گرفتن وام و تبعیض از سوی سازمانها روبرو می باشند [44]. زنان در کامرون به طور کلی با محدودیتهای فراوانی جهت کار در بیرون از منزل روبرو هستند و این مسأله منجر به این حقیقت می شود که موانع سنتی و سازمانی، آنها را در دسترسی به منابع مالی و دیگر منابع محدود کند. مشکلات اصلی زنان در کامرون، عدم دسترسی به زمین زراعی کافی، افزایش سرمایه، کمبود نیروی کار و فشار زمان و دزدی است [35]. از جمله تحقیقاتی که در زمینه شناسایی موانع کارآفرینی زنان در داخل کشور صورت گرفته می توان به موارد زیر اشاره نمود.

در تحقیقی که در زمینه بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران صورت گرفته، موانع خانوادگی، نظام تعلیم و تربیت،



انگیزه‌های اجتماعی و شغلی خود را از مردها پایین می‌آورند و دچار ترس از عدم موفقیت می‌شوند [۱۲].

۲-۱-۴- نظام تعلیم و تربیت

نظام تعلیم و تربیت به شیوه‌های متفاوت نابرابری‌های جنسیتی را بازتولید می‌کند. در مدرسه این امر از طریق محتوای منابع درسی و رفتار معلمان صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه، نتایج یک تحقیق در مورد کتب درسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که منابع آموزشی تصویر ضعیفی از زنان منعکس می‌سازند. در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از تصاویر مردان بیشتر از تصاویر زنان استفاده شده است. مردان از نظر اسامی نام برده شده نیز نسبت به زنان سهم بیشتری دارند. صرفنظر از محتوا، نزد عموم مردم کمیت بر اهمیت و بزرگی دلالت دارد. بنابراین فزونی تعداد مردان بر زنان می‌تواند به معنای ارزشمندی و اهمیت بیشتر آنان تلقی شود. علاوه بر این، تحلیل کیفی تصاویر مردان و زنان هم بر این واقعیتهای دلالت دارد که گاهی زنان در نقش‌هایی نامطلوب نمایش داده شده‌اند [۲۰]. در کتاب‌های درسی مردان اغلب با صفات‌های برتر انسانی و زنان با ویژگی‌های ظاهری شامل زیبایی و لطافت توصیف شده‌اند. همچنین نقش‌های اجتماعی دو جنس به طور صریحی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. زنان بیشتر به امور مانند خانه‌داری و فعالیت‌های تربیتی مشغولند، در حالی که تصاویر مردان بیشتر به فعالیت‌های حرفه‌ای، سیاسی و اجتماعی اختصاص یافته است [۱۶].

۳-۱-۴- انتظارات نقشی

زنان شاغل به طور همزمان دارای سه نقش همسری، مادری و شغلی هستند. هر یک از این نقش‌ها دارای مجموعه‌ای از انتظارات مختلف است. در مورد تعامل همزمان نقش‌های مختلف زنان نظرات متفاوتی وجود دارد [۶]. چلبی معتقد است هویت‌های شغلی زنان اغلب تحت‌الشعاع نقش‌های خانوادگی آنها است [۸]. زیر تحت عنوان "فرضیه تجمع نقش‌ها" به منافع حاصل از تکرر نقش‌های زنان اشاره می‌کند. از نظر او امتیازات مرتبط با هر نقش مانند امنیت، منزلت حاصل از آن، فراهم آمدن امکاناتی جهت بهبود پایگاه اجتماعی، غنای شخصیت و ارضای خاطر که فرد از آن بهره‌مند می‌شود، بستگی‌های اجتماعی جدید و حمایت حاصل از آن جمله ثمرات ایفای نقش‌های متفاوت است [۱]. یافته‌های یک پژوهش تجربی درباره زنان شاغل و خانه‌دار تهرانی فرضیه فوق را تأیید می‌کند. نتایج به دست آمده نشان

توصیف کند، یا اگر امکان دستیابی به فرصت‌ها و منابع ارزشمند اجتماعی را به خاطر زن بودن برای آنان محدود سازد، در این صورت به تدریج این مؤلفه‌ها جزئی از خودپنداره هویت زنان می‌شود. ادراک منفی یا ضعیف از خود، عزت نفس پایین، ارزیابی ضعیف از توانمندی‌های خود احتمال شکل‌گیری ساختار روانی و شخصیتی مساعد کارآفرینی را کاهش می‌دهد. زیرا براساس ویژگی‌هایی که برای کارآفرین برشمرده شد در صورتی می‌توان یک فرد را کارآفرین نامید که در اندیشه تغییر و بهبود شرایط کارش باشد، فکری نو در سر داشته باشد، در برابر عدم قطعیت پایدار باشد و از قدرت رهبری و بسیج منابع در جهت هدف برخوردار باشد. در شرایط و فضای نابرابری جنسیتی این خصوصیات به سختی در زنان شکل می‌گیرد [۶].

۱-۱-۴- خانواده

مؤلفه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی ابتدا از طریق خانواده به افراد منتقل می‌شود. والدین به استقلال یافتن دختران و پسران واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند. پسرها زودتر از دختران همسال خود اجازه دارند در سنین پایین دور از محیط خانه بازی کنند و برای خرید یا تفریح با دوستان خود بیرون بروند. والدین هنگامی که دخترشان فعالیت را به تنهایی انجام می‌دهد اضطراب درونی خود را نشان می‌دهند، درحالی‌که در موقعیت مشابه نسبت به استقلال عمل فرزند پسر احساس غرور و شادمانی می‌کنند و با انتقال این احساس به فرزند پسر حس اعتماد به نفس او را تقویت می‌کنند [۲۳]. نوع سرگرمی‌ها و بازی‌های دو جنس نیز به نابرابری‌های جنسیتی می‌افزاید. دختران معمولاً به سرگرمی‌هایی مانند عروسک‌بازی که عواطف آنها را پرورش می‌دهد و کمتر ذهن آنها را به تکاپو وادار می‌سازد هدایت می‌شوند. درحالی‌که بازی‌های پسران با تحرک جسمی، پرخاشگری و ارتباط بیشتر با طبیعت همراه است و اغلب قدرت تفکر و آفرینندگی آنان را تقویت می‌کند. علاوه بر این، دختران در دوران نوجوانی محدودیت بیشتری برای تجربه و درک محیط‌های مختلف دارند. آنها معمولاً از خطرات آشکار و پنهان ترسانده می‌شوند. یافته‌های یک پژوهش تجربی نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از مادران ایرانی دختران خود را به مراتب کمتر از پسرها به استقلال، خودکفایی و پیشرفت تشویق می‌کنند [۱۲]. چنین آموزه‌هایی حتی در بسیاری از موارد دختران تیزهوش را دچار تردیدهایی جدی می‌سازد. مطالعه‌ای تجربی در مورد دختران تیزهوش نشان می‌دهد بسیاری از آنها به خاطر پرهیز از طرد شدن، سطح آرزوها و



۴-۱-۴- باورهای کلی‌شهای

باورهای کلیشه‌ای یا قالبی مربوط به زنان به شیوه‌ای دیگر بر ساختار روانی آنها تأثیر می‌گذارد. باورهای کلیشه‌ای برداشت‌هایی بیش از حد ساده و جانبدارانه از واقعیت هستند که نسبت به گروه خاصی اطلاق می‌شوند و در برابر تغییرات مقاومت می‌کنند. این تصورات اغلب لحنی منفی دارند و با نگرش‌های تعصب‌آمیز و یا تبعیض رفتاری آمیخته‌اند [41]. بخشی از این باورها در قالب اشعار، داستانها و ضرب‌المثلها نمایان می‌شود. از نظر خواجه نصیرالدین طوسی مردان باید از گفتگو با عوام، کودکان، زنان، دیوانگان و مستان احتراز کنند [۱۲]. از فروغی بسطامی است که در فکر زن مپیچ که این رخنه فساد/ در خون گرم غوطه دهد جان مرد را [۱۲]. این عبارت نیز به ناصر خسرو منسوب است که زنان چون ناقضان عقل و دین‌اند/ چرا مردان ره آنان گزینند. یا جامی گفته است زن از پهلوی چپ آفرید/ کس از چپ هرگز راستی ندید [۷]. در بعضی از ضرب‌المثل‌های فارسی زنان با صفاتی مانند ناقص‌العقل، خطرناک، قابل ترحم، بلا خبیث، بی‌وفا، و موجودی که با گریه کارش را پیش می‌برد معرفی شده‌اند [۷]. هرچند که تعمیم چنین مواردی به کل ادبیات و فرهنگی ایرانی جایز نیست و در متون ادبی به ویژگی‌های مثبت زنان هم اشاره شده، با وجود این، مصادیق یادشده به این واقعیت اشاره دارد که زبان فارسی دچار عارضه جنسیت‌گرایی است [۴]. این عبارات که در قالب گفتگوهای روزمره جریان دارد به تدریج بر نگرش زنان نسبت به خودشان و نگرش دیگران نسبت به زنان نفوذ می‌کند [۶].

در سطح سازمان نیز مانند جامعه مصادیقی از باورهای کلیشه‌ای درباره زنان وجود دارد که می‌تواند همچون یک مانع ذهنی عمل کند. برای مثال، گاهی گفته می‌شود وقتی کار سخت می‌شود زنان تاب نمی‌آورند، توانایی دیدن چشم‌انداز وسیع را ندارند و برای کار تیمی مناسب نیستند. به این جهت زنان همواره مراقب برداشت همکاران مرد خود هستند و این امر را با انتخاب کارهایی که از آنان پذیرفته است رعایت می‌کنند. در نتیجه از اقداماتی مانند بلندپروازیهای شغلی، فرصت‌گرا بودن، خطر کردن و تلاش برای ایجاد تغییر که اغلب اموری مردانه تلقی می‌شوند اجتناب می‌ورزند [۶].

۴-۱-۵- مناسبات حاکم بر سازمان

سازمانها از فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرند. مولفه‌های مرتبط با نابرابری جنسیتی از طریق مناسبات رسمی و غیررسمی بر ساختار روانی زنان و

می‌دهد که زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار خود پنداره مثبت‌تری دارند و به‌طور معناداری خود را باهوش‌تر، موفق‌تر، فعال‌تر، مستقل‌تر و سخت‌کوش‌تر احساس می‌کنند [۹]. در مقابل برخی از جامعه‌شناسان انتقادگرا به تضاد میان نقش خانوادگی و شغلی تأکید دارند. برای مثال، از نظر هیبارد و پوپ تجمع نقش‌های سنتی همسری و مادری و نقش‌های جدید شغلی ممکن است به تضاد با نقش یا اضافه‌بار نقش منجر شود و سلامت زنان را به خطر اندازد. علاوه بر این، احساس تقصیر و اضطراب که حاصل این تصور است که آنها نتوانسته‌اند به‌خوبی از عهده مسئولیت خانوادگی بریبایند از علل عمده لطمه به سلامت روانی زنان محسوب می‌شود [۱]. بوتل و گرین‌هاوس در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که ایجاد تعادل بین نقش‌های کار و خانواده احتمال دارد با افزایش تضاد دوجانبه در درون نقش‌ها همراه باشد. برای مثال، تعارض خانواده با کار وقتی رخ می‌دهد که مسئولیت‌های مربوط به نقش خانوادگی مانع انجام‌دادن کار شود. همچنین نگهداری از بچه ممکن است مانع توجه کافی به مسائل شغلی شود. تعارض کار با خانواده زمانی ایجاد می‌شود که فعالیت‌های شغلی مانند ساعات طولانی کار انجام‌دادن وظایف خانوادگی را مختل سازد [۱۸]. توجه به این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که مسئولیت مادران در طول زمان افزایش می‌یابد. وظایف مادران به نگهداری و حفاظت جسمانی از فرزندان محدود نمی‌شود، بلکه شامل توجه دقیق‌تر به رشد روانی، اجتماعی و فکری آنان نیز می‌باشد. این در حالی است که بنابر قرارداد اجتماعی مردها کمتر مسئول تربیت فرزندان شمرده می‌شوند. از آنجاکه لازم است مادران شاغل بخش قابل ملاحظه‌ای از زمان خود را صرف فرزندانشان کنند، بنابراین انگیزه و فرصت‌شان برای توسعه فعالیت‌های شغلی محدود می‌شود [۶].

ناهماهنگی میان نقش‌های زنان به شیوه دیگر نیز نمایان می‌شود. براساس هنجارهای فرهنگی جامعه از زنان متأهل انتظار می‌رود اقدامات یا تصمیمات خود را با اجازه و نظارت همسر خود انجام دهند. رعایت این قاعده کمک می‌کند تا زنان در فعالیت‌های خود از تجربه، همفکر و حمایت شوهرشان برخوردار شوند. اما به همین ترتیب گاهی نیز ناهماهنگی میان ترجیحات زن و شوهر می‌تواند مانع توسعه فعالیت‌های شغلی زنان شود. بنابراین در بعضی از موارد نوآوری، پیشگامی و توان محقق ساختن طرح‌ها و اندیشه‌های نو که از ملزومات کارآفرینی است با انتظاراتی که از یک زن در نقش همسری می‌رود ناهماهنگ است [۶].



پیوندهای اجتماعی‌شان برای دستیابی به تحرک شغلی فراتر از آنچه به وسیله موقعیت ساختاری‌شان پیش‌بینی شده استفاده می‌کنند [۱۷].

۲-۴- عوامل مالی

دشواری کسب سرمایه اولیه و تأمین نقدینگی، عدم توانایی فراهم نمودن وثیقه تضمینی جهت راه‌اندازی فعالیت، محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی به علت عدم اعتماد موسسات مالی، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی‌های زنان از مشکلات و موانع اقتصادی هستند که زنان کارآفرین با آن مواجه می‌شوند [۲۰]. در تحقیقی که توسط قمبرعلی و رستمی با موضوع شناسایی مشکلات زنان کارآفرین در استان کرمانشاه انجام شد، شرکت‌کنندگان در مطالعه، مشکلات مالی را به عنوان مهمترین مشکل ذکر کردند که اکثر کارآفرینان با آن روبرو هستند. زنان کارآفرین در زمان شروع و در طول اداره فعالیتشان با مشکلات مالی همچون گرفتن وام و کمک هزینه، عدم وجود امنیت مالی، زمان صرف شده در طول فرآیند گرفتن وام، برنامه سخت و سفت پرداخت غرامت، مدیریت مالی ضعیف و نگهداری حساب‌ها روبرو می‌باشند. تعداد کمی از کارآفرینان زن موفق به گرفتن اعتبارات بانکی می‌شوند و بیشتر آنان بر پس‌اندازهای شخصی خود تکیه می‌کنند. آن‌ها به دلیل وجود موانع در دریافت اعتبارات ترجیح می‌دهند از منابع مالی خصوصی همچون خانواده و دوستان و سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای به دست آمده از کسب و کارشان استفاده نمایند. بیشتر آنان ذکر کرده‌اند که با مشکلات اساسی همچون عدم توانایی در فراهم کردن یک وثیقه تضمین شده جهت راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینی به ویژه در روستاها و نگرش منفی بانک‌ها و مؤسسات مالی نسبت به زنان، عدم پذیرش طرح‌های توسعه‌ای و تأخیر در پرداخت وام روبرو می‌باشند. در مرحله توسعه کسب و کار استفاده از هرگونه وام بانکی توسط کارآفرینان، مستلزم تهیه و ارائه طرحی مشخص می‌باشد. در برخی موارد طرح‌های مورد قبول دستگاه‌های تصمیم‌گیر ذیربط واقع نمی‌شود و یا در برخی موارد با تأخیر و به واسطه پیگیری فراوان کارآفرینان موافقت حاصل می‌شود. در بیشتر مواقع به دلیل محدودیت‌های اعتباری و نیز تشریفات اداری وام‌ها دیر پرداخت می‌شود که موجب کندی و تعویق فعالیت‌های کارآفرینی زنان شده است [۱۹].

جهت‌یابی آنان نسبت به کارشان تأثیر می‌گذارد. این قبیل نابرابری‌ها در درون سازمان قبل و بعد از استخدام به اشکال مختلف مانند وجود معیارهای استخدامی نابرابر، دستمزد نابرابر برای کار یکسان، احتمال بیشتر برای بیکاری، فرصت نابرابر برای آموزش‌های جانبی، دستیابی نابرابر به منابع تولیدی، مشارکت نابرابر در تصمیم‌گیری، امکان نابرابر در ارتقای شغلی، امکان نابرابر ارتقای زنان به سطوح مدیریتی نمودار می‌شود [۱۳].

بررسی که درباره ۵۰ نفر از مدیران سطح بالای سازمان‌ها انجام شده نشان می‌دهد که اکثریت آنها بر انضباط کاری، وظیفه‌شناسی و تعهد زنان نسبت به مردان اذعان داشته‌اند و نیمی از آنان از پرسنل زن راضی‌تر از پرسنل مرد بوده‌اند. با این حال، در انتخاب افراد برای رده‌های شغلی بالاتر در میان مردان و زنان با تحصیلات و تجربه مساوی، مردها را ترجیح می‌دهند [۱۱]. از آنجا که رهبری و مدیریت جزو خصوصیات فرد کارآفرین است، عدم ارتقای زنان به مواضع مدیریتی موجب می‌شود ساختار روانی و نظام شخصیتی آنها در زمینه فعالیت‌های کارآفرینانه شکوفا نشود [۶]. امکان کسب تجربیات شغلی جدید نیز برای زنان نسبت به مردان محدودتر می‌باشد. به منظور بسط استعداد یادگیری، لازم است افراد هرچه بیشتر خود را در محیط‌های متفاوت درگیر نمایند و آنها را آنچنان درونی سازند تا بتوانند نقشه شناختی وسیع‌تری از محیط‌های مختلف کسب نمایند. نفوذ متقابل الزامات مربوط به محیط‌های چندگانه باعث افزایش ظرفیت اجرایی انسان می‌شود [۸]. این در حالی است که زنان برای تجربه محیط‌های شغلی متفاوت اغلب با محدودیت مواجه هستند. برای مثال، امکان بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی جانبی مانند ماموریت‌های شغلی داخل یا خارج از کشور برای زنان کمتر است. از آنجا که یکی از ویژگیهای فرد کارآفرین آمادگی دائم برای آموختن است، بنابراین محدودیت تحرک شغلی و از دست دادن فرصت آموزش‌های مکمل و غیررسمی از قابلیت‌های شناختی و اجرایی زنان برای کارآفرینی می‌کاهد [۶].

همچنین زنان شاغل از آنجا که احتمال می‌دهند توسط هم‌تایان مرد خود به نحو مناسبی به رسمیت شناخته نشوند از ورود به شبکه غیررسمی همکاران که بیشتر صبغه‌ای مردانه دارد می‌هراسند. این وضعیت بعضی از فرصت‌های کارآفرینی را که از خلال تعامل و گفتگو با دیگران به دست می‌آید، محدود می‌سازد. زیرا حضور فعال در شبکه غیررسمی همکاران موجب درگیر شدن بیشتر با کار، کسب اطلاعات جدید، شکل‌گیری اندیشه‌های نو و استفاده از همفکری و حمایت کارکنان است. زیرا افراد معمولاً به شیوه‌ای ابزاری عمل می‌کنند و از



۳-۴- عوامل قانونی

وجود قوانین محدود کننده همچون سختی یا منع صدور مجوز برای بعضی از فعالیت‌ها، بعضی از قوانین ناظر بر خانواده از جمله قانون منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر، قانون خروج زن از کشور منوط به اجازه کتبی شوهر، عدم وجود فضای امن برای حضور زنان در برخی صحنه‌ها و رفت و آمد در برخی مکانها، عدم امکان داشتن سفرهای داخلی و خارجی، ... از موانع قانونی هستند که ممکن است در مواردی موجب دشواری و محدودیت کارآفرینی زنان می‌شوند.

۴-۴- عوامل فردی

فقدان انگیزه کافی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی (به علت نان آور بودن مرد در خانواده)، عدم خود باوری و کمبود اعتماد به نفس، ترس از شکست و ریسک پذیری پایین، کمبود توانایی بدنی زنان برای تحمل فشارهای سنگین کاری، گرایش به دستور پذیری از دیگران و تحریک پذیری بیشتر در هنگام مواجهه با شکست برای بعضی از زنان، به عنوان موانع کارآفرینی به شمار می‌آید [۱۹،۱۵].

اکثر زنان به دلیل فقدان دانش و اطلاعات برای راه اندازی کارآفرینی با عدم اعتماد به نفس روبرو هستند و به دلیل گرایش به دستور پذیری و همین طور تمایل کم به ریسک پذیری ترجیح می‌دهند به سراغ کارآفرینی نروند.

نتایج حاصل از یک تحقیق نشان می‌دهد میان توانایی‌هایی شخصیتی از قبیل اعتماد به نفس و پنداشت از خود، با اشتغال زنان رابطه معنادار وجود دارد، به طوری که پنداشت از خود و اعتماد به نفس بالا تأثیر مستقیم بر اشتغال زنان و موقعیت شغلی آنان دارد. نبود اعتماد به نفس، ترس از شکست و ملامت اطرافیان به ویژه اعضای خانواده از موانع بازدارنده کارآفرینی به حساب می‌آید. همچنین سطح پایین آموزش، باعث سطح پایین اعتماد به نفس زنان می‌شود. توانایی بدنی بسیاری از زنان نیز در تحمل فشارهای کاری نسبت به مردان پایین‌تر می‌باشد به طوری که طی مصاحبه‌هایی که با زنان انجام شده است. آن‌ها به کرار از مشکلات سلامتی همچون استرس، سردرد، خستگی چشم، کمر درد، معده درد، فشار خون، درد مفاصل، کوفتگی و کم خوابی شکایت داشتند. البته این مشکلات در زنانی که به تازگی کسب و کارشان را راه اندازی کرده بودند، بیشتر بوده است. به این دلیل که در سالهای ابتدایی، حجم کارها بالا می‌باشد اما بعد از مدتی حجم فعالیت‌های کارآفرین کاهش می‌یابد و بیشتر نقش مدیریتی را ایفا می‌کند [۱۹].

۵- نتیجه گیری

امروزه کارآفرینی زنان نقش مهمی را در توسعه جوامع ایفا می‌کند. توسعه اقتصادی بدون مشارکت اشتغال‌زایی زنان میسر نیست و یکی از راههای بسترسازی اشتغال خصوصی با اهمیت دادن به توانمندیهای زنان در عرصه فعالیتها و مشارکتهای اقتصادی شکل می‌گیرد؛ بررسی‌ها نشان داده است که در سالهای اخیر زنان بیشتری در جوامع مختلف از جمله کشور ما، به کارآفرینی روی آورده‌اند؛ اما علی‌رغم این موضوع، ورود زنان به عرصه کارآفرینی همواره با موانع و محدودیت‌های زیادی به همراه بوده است که شناسایی و رفع آنها منجر به توسعه کارآفرینی زنان خواهد شد.

در این مقاله موانع مختلفی که می‌تواند برای فعالیت‌های زنان ایرانی در عرصه کارآفرینی محدودیت ایجاد کند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. موانع فرهنگی- اجتماعی (خانواده، نظام تعلیم و تربیت، انتظارات نقشی، باورهای کلیشه‌ای، مناسبات حاکم بر سازمان کار)، موانع مالی (دشواری کسب سرمایه اولیه و تأمین نقدینگی، عدم توانایی فراهم نمودن وثیقه تضمینی جهت راه‌اندازی فعالیت، محدودیت در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی به علت عدم اعتماد موسسات مالی، عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به توانایی‌های زنان)، موانع قانونی (منع یا دشواری اخذ مجوز برای بعضی از فعالیت‌ها، بعضی از قوانین ناظر بر خانواده از جمله قانون منع کار زن در صورت عدم رضایت شوهر، قانون خروج زن از کشور منوط به اجازه کتبی شوهر، عدم فضای امن برای حضور زنان در برخی صحنه‌ها مثل رفت و آمد در برخی مکانها و سفرهای داخلی و خارجی)، موانع فردی (فقدان انگیزه کافی برای انجام فعالیت‌های اقتصادی، عدم خود باوری و کمبود اعتماد به نفس، ترس از شکست و ریسک پذیری پایین، کمبود توانایی بدنی زنان برای تحمل فشارهای سنگین کاری، گرایش به دستور پذیری از دیگران و تحریک پذیری بیشتر در هنگام مواجهه با شکست).

هر یک از این موانع در شرایط مختلف، اثرات نامطلوب و محدودکننده‌ای بر کارآفرینی زنان دارد که لازم است مورد توجه دولتمردان و مسئولان کشور قرار گیرد و اقدامات مناسبی در جهت کاهش مشکلات و رفع موانع موجود صورت پذیرد.



۶- پیشنهادات

- به منظور کاهش مشکلات موجود و ارتقای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌گردد:
- اطلاع‌رسانی در خصوص اهمیت نقش کارآفرینی در رشد و توسعه کشور و جایگاه ویژه اشتغالزایی زنان.
- بسترسازی فرهنگی و ترویج ارزشها و هنجارهای اجتماعی جهت تسهیل ورود زنان به عرصه کسب و کار.
- ترغیب خانواده‌ها به داشتن همکاری با زنان شاغل با توزیع مناسب مسئولیتها میان اعضای خانواده.
- نظارت بر عدم تبعیض ارتقای شغلی در سطوح بالای مدیریتی بین زنان و مردان در سازمان‌ها.
- معرفی و تقدیر کارآفرینان برتر زن به منظور افزایش خودباوری، اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه کارآفرینی در دختران و زنان.
- تسهیل ارائه منابع مالی مناسب به زنان کارآفرین با در نظر گرفتن شرایط ویژه زنان مثل عدم ارائه وثیقه‌های سنگین.
- برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی جهت ارتقای مهارت‌های زنان برای راهاندازی و مدیریت فعالیت‌های مستقل کسب و کار.
- ارائه مشاوره‌های تخصصی به زنان کارآفرین و کمک به رفع مشکلات ایشان.
- اصلاح قوانینی که بر فعالیت‌های کارآفرینی زنان، اثرات بازدارنده و محدودکننده دارد.
- ایجاد و تقویت شبکه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی زنان کارآفرین و تسهیل برقراری ارتباط بین ایشان.

مراجع

- [۵] جهانگیری، علی. (۱۳۸۰). دولت کارآفرین، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، ۵۱، ص ۶۳-۷۱
- [۶] جواهری فاطمه، قضاتی سرور (۱۳۸۳)، موانع کارآفرینی زنان: بررسی تاثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صفحه ۱۶۱ تا ۱۷۸.
- [۷] چابکی، ام‌البنین (۱۳۷۴)، "تأثیر باورهای غلط و نگرش‌های منفی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان"، همایش زن و توسعه فرهنگی در دانشگاه الزهرا .
- [۸] چلبی مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظم اجتماعی، تهران: نشرنی .
- [۹] خسروی، زهره (۱۳۷۸)، نقش تأهل و اشتغال بر خودپنداره زنان ایرانی در کتاب زن در یافته‌های نوین پژوهشی، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا .
- [۱۰] رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، در آمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۱۱] سفیری، خدیجه (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران: انتشارات تبیان .
- [۱۲] سیدان، فریبا (۱۳۷۸)، "نگرش‌های کلیشه‌ای در امور زنان" در کتاب: زن در یافته‌های پژوهشی، تهران: دانشگاه الزهرا .
- [۱۳] شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۷)، "مدیریت زنان: ضرورت تغییر رفتار در نقش مدیریت" در مجموعه مقالات نخستین همایش جامعه‌شناسی و مدیریت، سازمان مدیریت صنعتی .
- [۱۴] شاه حسینی، علی. (۱۳۸۳). کارآفرینی. تهران: انتشارات آبیژ.
- [۱۵] شمس‌الدینی، سهیلا، عباس بابایی نژاد، (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان، دومین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی کشور، تهران، دانشگاه شاهد.
- [۱۶] صداقت، سعید و زهرا زاهد (۱۳۷۴)، "نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی"، فرزانه: ویژه مطالعات و تحقیقات مسائل زنان، شماره ۵ .
- [۱۷] کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، صوری منوچهر، چاپ اول، تهران: انتشارات نی.
- [۱۸] عباسی، صفورا (۱۳۸۱)، تضادخانوادگی زنان شاغل و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، استاد راهنما: دکتر فرامرز رفیع‌پور، دانشگاه شهید بهشتی، گروه جامعه‌شناسی .
- [۱۹] قمبرعلی رضوان، رستمی فرحناز (۱۳۹۴). "شناسایی مشکلات زنان کارآفرین استان کرمانشاه"، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۲، شماره ۱، صفحه ۱۷-۱.
- [۲۰] مجتهدی، مهین (۱۳۸۰)، "بررسی باورهای جنسیتی در محتوای کتابهای درسی دوره ابتدایی"، جزء مقالات ارائه شده در همایش ملی اصلاحات در آموزش و پرورش، دبیرخانه همایش .
- [۱] احمدنیا، شیرین (۱۳۸۰)، "برخی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان"، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، شماره ۴ .
- [۲] آراستی زهرا، اکبری جوکار محمدرضا، (۱۳۸۷) "تحقیقی پیرامون ویژگی‌های کسب و کارهای زنان کارآفرین تحصیل کرده دانشگاهی و مشکلات آنان در راه اندازی کسب و کار"، دانشور رفتار، دوره ۱۵، شماره ۳۲، صفحه ۴۶-۳۷.
- [۳] بازرگان، زهرا (۱۳۷۶)، "نقش آموزش عالی در شکوفایی استعدادها در رخشان"، مجموعه مقالات زن در یافته‌های نوین پژوهشی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی .
- [۴] پاکنهاد، مریم (۱۳۸۰)، "زن در زبان فارسی"، پژوهش زنان: فصلنامه مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دوره اول، شماره ۱ .



- [40] Jazani, N.(2006), "Gender justice, women rights and capabilities", the first seminar on women entrepreneurship and challenges
- [41] Jones, Edward (1989) The social science Encyclopedia Ed: Kuper Adam & Kuper Jessica, London & NewYork: Routledge.
- [42] Karimi, Z. 2006. Government Supports Role in Job Creation for Women: Casual Study: Women Cooperatives in Mazandaran Province. Journal of Iran Economic Rev, 17(2): 131-158. (In Persian)
- [43] 2 Kazemi, M(2008), Assessing entrepreneurship by industrial managers,casual study: Khorasan Province, Science and Development Magazine
- [44] Majd, H., Ramia, I., Rabie, N., and Hala, H. 2010. Women Entrepreneurship in Syria Characteristics and Challenges. Research Project Presented to the University of Cadiz (UCA) by the Syria Trust for Development. 75-86.
- [45] . Neider, L. (1987) A preliminary investigation of female entrepreneurs in Florida. Journal of Small Business Management, 25 (3), 22-29.
- [46] Reynold, S., Hay, M., Camp, M. S., and Autio, E. (2002). Global entrepreneurship monitor: executive report , Babson College, Ewing Marion Kauffman Foundation, London Business School. Available, <http://www.gemconsortium.org/docs/download/256>. (2013, Nov 03).
- [47] Saber, F. 2002. Strategies to development of women's entrepreneurship: strategies for women's empowerment to the economic, social and political equality in Iran. Tehran: Roshangaran publication and women's studies, 56-75p.(In Persian)
- [48] Statistical Center of Iran. 2011. Statistical Yearbook of Iranian Centre. (In Persian)
- [49] Statistical Center of Iran, 2011. Population and housing census.
- [50] Stoner C. R., Hertman R. I. & Arora R. (1990) Workhome role conflict in female owners of small business: an exploratory study. Journal of small business management, 28, 30-39.
- [51] Tambunan, T. 2009. Women entrepreneurship in Asian developing countries: Their development and main constraints. Journal of Development and Agricultural Economics, 1(2): 027-040.
- [52] Teo SK. (1996) Women entrepreneurs of Singapore, in Maysami R. C., Goby V. P. Female Business Owner in Singapore and Elsewhere: A Review
- [53] Ylienen. P. and Chechurina, H. M. (2000). Perceptions of female entrepreneurship in RUSSIA. paper to be presented at 30 European Small Business Seminar in Ghent, September,1-40
- [54] Yorburg, Betty (1974) Sexual Identity, Sex Roles &social change, United states of America : A America : A Wiley Interscience Publication.
- [55] Zimny, E. R. (2003). Women's entrepreneurship in transition countries. 48th world conference international council for small business ,Belfast, northern, Ireland, pp.219-224
- [56] Saber, F(2003), Options for improving women entrepreneurship in Iran: solutions for economic, social and political equality in Iran, Women Studies Publication
- [57] 21] مقیمی، فضل الله. (۱۳۸۱). کارآفرینی، سنجش و پژوهش. گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش. آموزش کشور، 3، ص. ۷.
- [22] میرغفوری، سیدحبیب اله، (۱۳۸۸)، "تبیین و تحلیل موانع مؤثر بر کارآفرینی زنان"، پژوهش نامه مدیریت تحول، شماره ۲، نیمه دوم، ص ۵۱
- [23] نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۹)، روانشناسی زن، تهران: انتشارات ایرانیان .
- [24] هاشمی، سیدعلی. (۱۳۸۰). بررسی تطبیقی مشارکت زنان در بازار کار ایران و سایر کشورها. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری
- [25] هیسریچ، رابرت. دی و پیترز، پ. (۱۳۸۳). کارآفرینی. ترجمه علی رضا فیض بخش و حمیدرضا تقی یاری. تهران: موسسه انتشارات علمی.
- [26] Arasti, Z(2007), "Female Iranian entrepreneurs; socio-cultural structures contributing to job creation for women", journal of women research, Vol. 4 No. 1,2, pp. 93-120
- [27] Battner,E.H; More,D.P,(1997), Women's organizational exodus to entrepreneurship: self-Reported motivations and correlates with success, Journal of Small Business Management.
- [28] Borgatta, Edgar F; Montgomery, Rhonda J. V (2000), Encyclopedia of Sociology, Volume one, Second Edition, Detroit, San Francisco, London and New York, Macmillan Reference USA.
- [29] Breen J., Calvert C. & Olivier J. (1995) Female entrepreneurs in Australia: An investigation of financial and family issues. Journal of enterprising culture, 3(4), 445-461.
- [30] Brown S. A. & Segal P. (1989) Female entrepreneurs in profile, in Maysami R. C., Goby V. P. Female Business Owner in Singapore and Elsewhere: A Review of Studies, Small Business Management, pp. 96-105.
- [31] Brush, C. 1992. Research on women business owners: past trends, a new perspective and future directions. Entrepreneurship, Theory and Practice, 16(4):5-30.
- [32] Burdette P. A. (1990) Black and white female small business owners in central ohio: a comparison of selected personal and business characteristics, in Maysami R. C., Goby V. P. Female Business Owner in Singapore and Elsewhere: A Review of Studies, Small Business Management, pp. 96-105.
- [33] M., and Yelliene, H. (2000). Women's Entrepreneurship Development in the Murmansk Region, Presentation of the International Conference 'Women's life in the Barents region', Murmansk, April 11-12.
- [34] Cowling .M. and Taylor, M. (2001). Entrepreneurial women and men: Two different species? Small Business Economics, 16(3): 167-175.
- [35] Fonjong, L. 2004. Challenges and Coping Strategies of Women Food Crops Entrepreneurs in Fako Division Cameroon. Journal of International Women's Studies, 5: 215-235.
- [36] Gelard, P. 2004. Factors affecting the entrepreneurship development of Iranian women. Journal of Women, Studies and Research Center of Tehran University,3(1): 110-123. (In Persian)
- [37] Golrad, P, (2006), Designing model for job creation improvement for Iranian Women, thesis for phd , azad university
- [38] Schumpeter, Joseph A., (1934) The theory of economic development,Harvard University press Cambridge, MA.
- [39] 40 Javaheri, F., and Ghezavati, S. 2005. Studying the impact of gender inequality on women entrepreneurship in Iran: obstacles for women job creation. Iran Sociology Magazine, 18: 161-178. (In Persian)